

ارزیابی نقش استفاده از مدل کنترل‌ی طبقه‌بندی کالبدی شهر و میزان بهره‌وری عنصر کالبدی در کاهش تعارضات جمعی و فرهنگی کاربران شهری

محمد امین رضائیان قراگوزلو

گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فرح حبیب^۱

گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آرش بغدادی

گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آزیتا رجبی

گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش ارزیابی نقش استفاده از مدل فیلترینگ کالبدی شهر و مدل کنترل‌ی طبقه‌بندی کالبدی شهر و میزان بهره‌وری عنصر کالبدی و کاهش تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری است. این پژوهش از روش کمی و پرسشنامه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده است. پرسشنامه‌ها بر مبنای طیف ۵ سطحی لیکرت طراحی شده و با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه محاسبه شده است. یافته‌های حاصل از پرسشنامه در نرم افزارهای SPSS و همچنین Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از مدل فیلترینگ کالبدی شهری و مدل کنترل‌ی طبقه‌بندی شده نقش کلیدی بر بهبود وضعیت کالبدی و اجتماعی شهری دارد.

کلمات کلیدی: مدل فیلترینگ، مدل کنترل‌ی طبقه‌بندی کالبدی، بهره‌وری عناصر کالبدی، تعارضات اجتماعی و فرهنگی.

مقدمه

با قبول شهر بعنوان موجودی زنده دیگر نمی‌توان تنها به بعد ظاهری آن نگریست (لوی، ۲۰۱۶). حال اگر بعد محتوایی یک شهر را منبعث از ابعاد هویتی انسان‌های آن بدانیم، می‌توانیم شاخصه‌های محتوایی یا کارکردی هویت شهر را بصورت زیر طبقه‌بندی نماییم (پرا و همکاران، ۲۰۱۷). الف) عناصر اجتماعی (سیاسی و فرهنگی) شهر: این عناصر که غالباً با عنوان جغرافیای انسانی شناخته می‌شوند شامل جمعیت (کمی و کیفی) و فرهنگ شهر یا شهروندان (نژاد، زبان، هنر، پوشش و ...) می‌گردند؛ بنابراین در این بعد انسان بعنوان محوریت اصلی تلقی می‌شود. علوم، فنون، مهارت‌ها، اندیشه‌ها و تجارب باارزش و سودمندی که از دیگران یا از گذشته می‌گیریم و یا بدست می‌آوریم در تحلیل نهایی در این بعد از هویت قرار خواهند گرفت (راتهون و همکاران، ۲۰۱۸، کوچ، ۲۰۱۷). همان‌گونه که خط، لباس، روشهای تولید، آداب و رسوم و عقاید، جشن‌ها و اعیاد و بسیاری از چیزهای دیگر که از مولفه‌های ملی و عناصر هویت و متعلقات فرهنگی خویش می‌دانیم نیز در میان این عناصر طبقه‌بندی می‌شوند. بر این اساس توجه به هویت اجتماعی (فرهنگی - سیاسی) در راستای شناخت هویت واقعی شهری گریزناپذیر است (تورنلی، ۲۰۱۸، تاکوریاه و همکاران، ۲۰۱۷، بال و همکاران، ۲۰۱۸). ب) عناصر اقتصادی شهر: آخرین بعد از ابعاد هویت بخش در فضاهای شهری فعالیت‌هایی است که توسط ساکنان آن از گذشته تا به امروز پایه‌های اقتصاد شهری را تشکیل می‌دهد (بلک، ۲۰۱۸). این فعالیتها را می‌توان با عنوان عناصر اقتصادی مطرح نمود (آنگولاری و همکاران، ۲۰۱۷). برخی از این فعالیت‌ها که به طور ویژه در مکانها و یا شهرهای خاصی وجود دارند (ویلیام، ۲۰۱۸) و به یک مکان ویژه جغرافیایی اختصاص دارند، به عنوان یکی از مهمترین ارکان هویتی شهر یا مکان خود نمایی می‌کنند که از آن میان می‌توان به فعالیتهای گردشگری، صنایع دستی و فعالیت‌های ویژه و یا بومی موجود در هر مکان یا شهر اشاره نمود (دیر و همکاران، ۲۰۱۸، لاروسا و همکاران، ۲۰۱۷).

هدف عمده این پژوهش دستیابی به شناختی جامع و عمیق از روش‌های نوین طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی کالبدی شهر و چگونگی بکارگیری آن در شهرسازی و روند برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی شهری و در مرحله بعدی ایجاد مکانیزمی جهت کنترل آن بر اساس شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، هویتی و اقتصادی می‌باشد (کرک، ۲۰۱۸). بطوریکه با شناخت از اصول این روشها و تاثیر آن در عناصر کالبدی شهر و بهره‌وران ساکن در شهر مطالعه دقیقی صورت گیرد. در این مطالعه با بررسی انواع روشها سعی شده است تا با ارائه چارچوبی، روشی نوین از طرح‌ریزی مختصات کالبدی شهر که با وضعیت مناطق شمالی شهر تهران سازگار باشد پیشنهاد گردد. همچنین با شناسایی و بررسی عوامل موثر و دخیل در روند برنامه‌ریزی کالبدی شهرها مانند موقعیت اقتصادی، موقعیت اجتماعی و شرایط فرهنگی ساکنان و کاربران شهری و مسائل اجتماعی ناشی از عدم توجه به مولفه‌های فوق در وضعیت موجود، مشکلات، معضلات و تعارضات اساسی شناسایی و با اتخاذ تدابیر راهبردهای مناسب برطرف گردند. پیرامون تعارضات اجتماعی و هویتی شهری در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است.

سلیمانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به "تحلیل فضایی فقر شهری با تاکید بر انگاشت عدالت فضایی (محل مورد بررسی: گلشن گرگان)" می‌پردازد. سکونتگاه‌های غیررسمی در واقع مناطق فقیر شهری هستند که در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی دارای شاخص‌هایی هستند که این مناطق را نسبت به سایر مناطق شهری دچار رکود و انزوا می‌سازد و به نوعی به شکل سکونتگاه‌های غیررسمی نمود عینی می‌یابد. این مقاله به تبیین فقر شهری و

سکونتگاه غیررسمی محله گلشن گرگان از منظر دیدگاه تجدید حیات شهری پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی، و از نوع تحقیق کاربردی است. اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای و میدانی و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه به دست آمده است، برای نمونه گیری به دلیل ناهمگن بودن جامعه از لحاظ ویژگی های اجتماعی-اقتصادی در محله گلشن، از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. توزیع پرسشنامه درون هر خوشه، با روش تصادفی ساده صورت گرفته است با این شرط که افراد بیش از ۶ ماه در محله سکونت داشته باشند. حجم نمونه تحقیق، با سطح اطمینان $p=q=0/05, 95\%$ و مقدار خطای $d=0/1$ و به دلیل نمونه گیری خوشه ای و با حجم جامعه ۳۰۸۰۰ نفر، معادل ۲۶۴ نفر محاسبه گردیده است. تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS، نسخه ۱۶.۰ انجام و سنجش وضعیت هر متغیر در محله، از طریق آزمون T test و تعیین همبستگی شاخص ها نسبت به هم و نسبت به کل، از طریق آزمون پیرسون تعیین شده است.

چاری و دهکردی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به "برنامه ریزی ساختار فضایی محله بر اساس مدل مطلوب واحد همسایگی (محله مورد بررسی: مدرس فریدونکنار)" می پردازد. محله به عنوان یک بخش از نظام سلسله مراتبی شهر همواره در طول تاریخ وجود داشته و با دگرگونی ساختار جوامع شهری تحولاتی پذیرفته است. عواملی چون جمعیت، ساختار اجتماعی و فرهنگ (مذهب و آداب و رسوم)، اقتصاد، طبیعت و دانش فنی زمان از مهم ترین عواملی هستند که در دگرگونی محلات نقش داشته اند. به وجود آمدن محلات جدید شهری بر اساس طراحی های از پیش تعیین شده و یا محلاتی که صرفاً توسط عوامل دسترسی تعریف می شوند به عنوان یکی از تقسیمات شهری امروز قابل بحث می باشد. ساکنین محله ها صاحبان آنها می باشند و آنها بخش اعظم زندگی خود را در آن سپری می نمایند. این پژوهش در تلاش است با شناسایی قابلیت محله مدرس با توجه به هدف کلان، اهداف خرد، راهبرد، سیاست^۱ و رفع موانع آن سهم بیشتری از عایدات را نصیب خود کند. در این راستا با بررسی و ارزیابی فضاهای محله ای بر اساس شاخص های واحد های همسایگی با شناسایی توان ها و محدودیت های محله مدرس شهر فریدونکنار در آید. بدین منظور در پژوهش حاضر ابتدا با شناخت محله مذکور با فهرست کردن عوامل داخلی و خارجی تاثیر گذار کالبدی و غیر کالبدی محله با استفاده از سوات SWOT به ارزیابی استراتژی محله مدرس شهر فریدونکنار پرداخته و در ادامه به ارزیابی آلترناتیو های پیشنهادی و استفاده از مزایا و کاهش معایب آلترناتیو ها به ساختار بهینه برای این محله رسیده است.

معافی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود به "ارزیابی تاثیرگذاری رویکرد نوشهرسازی بر باززنده سازی بافت محله آب انبار نو ساری" می پردازند. هدف اصلی از انجام این پژوهش ارزیابی تاثیرگذاری رویکرد نوشهرسازی بر باززنده سازی بافت محل آب انبار نو ساری بود. یافته های پژوهش در بخش مبانی نظری حاکی از آن است که شهرسازی جدید انسان و اجتماع را محور طراحی قرار داده و اصول خود را با اولویت مسیرهای پیاده، فضاهای مدنی، اختلاط کاربری ها، توسعه متراکم و محدودیت در استفاده از حمل و نقل خصوصی تدوین میکند. با توجه به مطالعاتی که صورت گرفت، در نتیجه مطالعات نظری می توان گفت بر اینکه میان اصول نوشهرسازی و اصول حاکم بر شکل گیری بافت های کهن ایران مطابقتی وجود دارد، باید گفت که سلسله مراتب شبکه معابر، و وجود ابنیه فرهنگی و

^۱ . gosp

مذهبی در بافت های کهن ایران با اصول نوشهرسازی مطابقت دارد اما فرسایش کالبدی در این بافت ها و نیازهای نوین زندگی این بافت‌ها را مسئله دار جلوه می دهد. همچنین در امکان کاربست اصول نوشهرسازی در بافت های کهن وجود دارد. این اصل را با شروطی از جمله مشارکت مردم، سیاست های مالیاتی برای جذب بخش خصوصی، تدوین برنامه های جامع نوسازی و امثالهم قبول کرد. در این زمینه باید گفت که شهرسازی جدید بر فضاهای باز و عمومی تاکید ویژه دارد اما همان طور که در محله آب انبار نو مشاهده می شود، این بافت-ها با کمترین تراکم ساختمانی و ارتفاع فاقد فضا و زمین کافی برای توسعه می باشند. از لحاظ اقتصادی نیز نوسازی و بالاجنس نوسازی براساس اصول نوشهرسازی هزینه زیادی را می طلبد که مدیریت شهری توانایی تامین آن را ندارد بنابراین اهمیت بخش خصوصی و سیاست هایی که جاذب این بخش باشد انکارناپذیر است. به عنوان سخن آخر باید بگوییم که شهرگرایی جدید با بحث درباره هدایت رشد حومه شهری در قالب شهرها و مجتمع هایکوچک، روند موجود گسترش شهری را به چالش کشاند. بر اساس شهرسازی نوین توسعه باید از نظر اندازه پیاده محور (یعنی فاصله مرکز تا لبه محله نباید از ۴۰۰ متر تجاوز کند)، از نظر ساختار فضایی، دارای شبکه های بهم پیوسته و از نظر طراحی شهری دارای بلوک های ساختمانی متمایز و خوانا باشد. ترکیبی از فعالیت ها در مجاورت یکدیگر همراه با طیف متنوعی از گونه های مسکن در هر محله، باعث شکل گیری فعالیت ها و ارتباطات اجتماعی می شود. با این حال شهرگرایی جدید حضور خودرو را حذف نمی کند بلکه خواهان حضور خودرو به نحوی است که به عابرین پیاده احترام بگذارد و به فضای عمومی شهر تجاوز نکند. بررسی و مطالعات میدانی در وضع موجود قلمرو مکانی پژوهش گویای آن است که محدوده با فرسایش کالبدی مواجه بوده است و از این لحاظ حداقل مطابقت با پایداری را دارد. به عبارتی محله فاقد مرکز محله بوده و دچار فقدان فعالیت های مورد نیاز ساکنان می باشد، به گونه ای که ساکنین از عدم وجود فضای سبز، محیط های ورزشی، درمانگاه، وجود خیابان های کم عرض و... رنج می برند. در این زمینه اولویت اول در مشکلات محله که ۴۴ درصد از پاسخ دهندگان به آن اشاره کرده اند فقدان پارک و فضای سبز می باشد. در زمینه لازم به اشاره است که ۵۵ درصد از پاسخ دهندگان میزان رضایت از زندگی در محله را در سطح کم و خیلی کم ابراز کرده اند. پس از بررسی وضع موجود به تجزیه و تحلیل و تدوین سند چشم انداز محله پرداخته شد و در ادامه با بهره گیری از تکنیک SWOT وضعیت محله مورد ارزیابی قرار گرفت و با عنایت به اصول پایداری به ارائه راهبردهایی در جهت ساماندهی بافت پرداخته شد.

رنگزن و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به "ارزیابی کاربری اراضی شهری با استفاده از تحلیل آمار فضایی در GIS" می پردازد. امروزه با توجه به رشد نا بسامان کالبدی شهرها و بی تعادلی در کاربری های موجود و از طرفی برای ارتقای کیفی شهرنشینی و تعادل بخشی آن ها، بهینه گزینی و ارزیابی کاربری ضهرها از اهمیت زیادی برخوردار است. دستیابی به این مهم نیز نیازمند استفاده از روش ها و ابزارهای مناسب و پیشرفته می باشد. تحلیل های آمار فضایی در GIS از جمله روش های توسعه یافته در دهه های اخیر هستند که با توجه به دخیل بودن عامل فضا در محاسبات آماری، کارایی بالایی در ارائه الگوی توزیع فضایی کاربری ها دارند؛ از این رو این پژوهش با استفاده از آمار فضایی در GIS به ارزیابی کمی و تحلیل الگوی توزیع و تنوع کاربری اراضی شهری منطقه یک کلان شهر اهواز می پردازد. روش تحقیق براساس هدف توصیفی تحلیلی و از نوع کاربردی می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از تکنیک های آماری شاخص سیمپسون، آنتروپی، خودهمبستگی موارن و خوشه بندی زیاد/کم در

محیط GIS استفاده شده است. نتایج حاصل از شاخص تنوع سیمپسون و آنتروپی نشان می دهد منطقه یک اهواز با وجود تراکم بالای جمعیت از تنوع و ترکیب کاربری بالایی برخوردار نیست. همچنین براساس شاخص موارن و خوشه بندی مشخص شد که الگوی توزیع کاربری ها در سطح منطقه خوشه ای است. یعنی تجمع و تمرکز برخی کاربری ها در یک مکان بیشتر از مکان های دیگر است. از سوی دیگر نتایج حاصل از ارزیابی کمی کاربری ها نشان می دهد که تنها سرانه موجود دو کاربری تجاری و مذهبی در سطح منطقه بالاتر از سطح استاندارد قرار دارند و سرانه کاربری های خدماتی فضای سبز، آموزشی و تاسیسات شهری بیشترین کمبود را در میان کاربری های خدماتی دارند.

امیری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به "بازشناسی و ارزیابی عناصر منظر محلات شهر گرگان در دوران تحول" می پردازد. محله یکی از مهم ترین اجزای شکل دهنده سازمان فضایی شهرهای ایرانی و به عنوان یک مکان جغرافیایی-تاریخی مفهومی منظرین است. محله به عنوان یکی از کانون های بروز حیات اجتماعی و خاطرات جمعی، دارای ابعادی نمادین است که شناخت منظر آن منوط به مطالعه دقیق آن است. شهر گرگان به عنوان یکی از مراکز مهم تمدن در شمال ایران، دارای الگوهای متنوع و ترکیب منحصر به فردی از محلات است. با این حال به نظر می رسد در قرن اخیر با تحولات اساسی که تحت تاثیر تعابیر کالبدی از شهرها در نظام شهری صورت گرفته، زندگی مبتنی بر محلات دچار آسیب های جبران ناپذیری شده است. در تحولات این دوره کانون های زندگی بخش گذشته که حاوی مفاهیم عمیقی از زندگی ساکنین گذشته و حال این شهر بوده نادیده انگاشته شد و به مرور موجب از میان رفتن تدریجی جریان زندگی در آنها شد. به نظر می رسد نخستین گام در احیای محلات گرگان، بازشناسی کل نگر به تمامی ابعاد مکانی آن -طبیعی و فرهنگی- در این دوران است. نگرش منظر به عنوان یکی از رویکردهایی که به شناخت همه جانبه ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی مکان می پردازد می تواند در بازشناسی ابعاد مکانی محلات گرگان راهگشا باشد. بنابراین این پژوهش به دنبال آن است که با شناخت منظر محلات گرگان، بیان عناصر منظر آن و همچنین بررسی عوامل تحول این عناصر، و آسیب شناسی و ارزیابی آن تحلیلی از وضع موجود عناصر منظر محلات ارائه نماید. این جستار ابتدا به بیان مفهوم منظر محله در شهرهای ایرانی می پردازد، سپس با بررسی لایه های طبیعی و فرهنگی محلات گرگان، عناصر منظر آن را ارائه و ارزیابی می نماید.

آزگان و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود به "اولویت بندی محلات شهری از لحاظ ساختار فضایی بر مبنای توسعه پایدار با تاکید بر سواحل دریایی خزر با استفاده از تکنیک waspas (مطالعه موردی: محلات شهری شهر بابلسر)" می پردازند. امروزه در تحول شکل و ساختار محلات شهری عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش بسزایی دارند. در این راستا در پیرامون ابعاد مختلف توسعه پایدار، نظریات متعددی در قالب عوامل ذکر شده در سطح محلات شهر مطرح شده است. از جمله این نظریات تاکید بر طرح های توسعه پایدار، که از ویژگی های مهم آن کارایی در مقیاس مختلف و به ویژه توجه آن بر مقیاس های خردتر شهری یعنی محلات است که از نگاه ایده آل گرایانه توسعه پایدار، مدیریت و طراحی مبتنی بر پایداری در سطح محلات از موضوعات بسیار مهم محسوب می شود و دست یابی به اهداف در سطوح خردتر شهری ملموس تر است. می توان توسعه پایدار در سطح محله را پیش شرط توسعه در سطوح کلان تلقی کرد. شهر بابلسر با وجود نقش دانشگاهی و بندرگاهی از جایگاه ویژه ای

در سطوح مختلف ملی، شهری و محلی برخوردار است. در این نوشتار با استفاده از روش و تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره و اسپاس براساس شاخص‌های مطرح شده محلات شهری را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتیجه به دست آمده چنین نشان می‌دهد که محلات به لحاظ پایداری در تراز هم‌اند حال آنکه با کمی اختلاف در پی هم‌اند بر این اساس می‌توان اظهار داشت که محله‌ی علی‌آباد میر که در شرق و جنب دانشگاه قرار دارد و از بهترین حالت براساس اصول شاخص‌های پایدار شهر و محله‌ی میاندشت به نسبت دیگر محلات از شرایط مطلوب کمتری برخوردار است.

پاکزاد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به "شناسایی و تعیین پهنه‌های مناسب مخاطرات محیطی موثر در توسعه کالبدی شهر ایلام" می‌پردازد. مخاطرات طبیعی حوادثی تهدیدآمیز هستند که خسارات جانی و مالی فراوانی به دنبال دارند. بنابراین مطالعات و پژوهش‌های علمی در این زمینه ضروری است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و پهنه‌بندی مخاطرات محیطی اثرگذار بر توسعه کالبدی شهر ایلام به شیوه توصیفی - تحلیلی و مشاهدات میدانی صورت گرفته است. محدوده مورد مطالعه آن شهر ایلام و جامعه آماری آن کارشناسان مدیریت شهری و مدیریت بحران هستند که از نظرات آن‌ها در تعیین اوزان معیارهای مورد بررسی استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش تلفیق لایه‌های رقومی GIS، تحلیل سلسله‌مراتبی فازی و تاپسیس است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که شهر ایلام از میان تمامی مخاطرات طبیعی معمول در بخش زاگرس میانی بیشتر تحت تاثیر مخاطره سیلاب می‌باشد. با بررسی اراضی اطراف محدوده شهری ایلام مشاهده می‌شود که مسیر توسعه‌ای که شهر ایلام در دهه‌های اخیر طی کرده است بدون در نظر گرفتن این پدیده بسیار مهم بوده است و توسعه کالبدی شهر در جهت مناطق با ریسک بالای سیلاب صورت پذیرفته است. دو نقطه از مناطق با خطر بسیار زیاد با مساحت ۵/۳۳ و ۲/۱۸ هکتار دقیقاً بر مناطقی از شهر منطبق شده‌اند که در آخرین سیلاب، خسارت شدیدی را متحمل دیده بودند و دارای ریسک خطر سیلاب بالایی هستند. ایمن‌ترین مناطق برای توسعه شهر ایلام مناطق جنوبی شهر (به سمت روستای چشمه‌کبود) هستند که علاوه بر داشتن وضعیت فیزیوگرافی مطلوب، از نظر ایمنی ریسک سیلاب نیز در محدوده مناسبی قرار گرفته‌اند.

حجازی (۱۳۹۹) در پژوهشی به "بررسی و تحلیل محدودیت‌ها و پتانسیل‌های توسعه کالبدی-فضایی بافت‌های فرسوده در شهرهای نفت خیز (نمونه موردی: شهرهای آبادان، اهواز و مسجدسلیمان)" می‌پردازد. بافت‌های فرسوده اگر چه به عنوان یک معضل شهری مطرح می‌شوند، اما در حقیقت پتانسیل بالقوه‌ای به ویژه در جهت توسعه درون‌زا می‌باشند که می‌توان با شناسایی پتانسیل‌ها و محدودیت‌ها، برنامه‌ریزی و اجرای دقیق به یک فرصت مناسب تبدیل شوند. از این رو در این پژوهش پتانسیل‌ها و محدودیت‌های توسعه کالبدی-فضایی محلات فرسوده سه شهر نفت خیز آبادان، اهواز و مسجدسلیمان در استان خوزستان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و جهت استخراج و تهیه اطلاعات و نقشه‌ها از بازدید میدانی، عکس‌های ماهواره‌ای و نرم‌افزار Arc GIS استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که بافت فرسوده شهر آبادان از پتانسیل توسعه درون‌زا (واحدهای مخروبه و اراضی بایر درون بافت) بالایی برخوردار بوده و برخی محلات دارای پتانسیل توسعه پیرامونی (پیوسته) می‌باشند. در مورد عوامل محدودکننده توسعه کالبدی-فضایی محلات می‌توان از رودخانه، باغات و اراضی کشاورزی، صنایع، خورهای غیرفعال و آرامستان نام برد. در شهر اهواز با توجه به

فشرده‌گی بافت فرسوده محلات تنها دارای پتانسیل توسعه درون‌زا (اراضی مخروبه) بوده و عوامل محدودکننده توسعه کالبدی-فضایی شامل رودخانه، راه‌آهن، اراضی شیب‌دار و صنایع نام‌برد. در شهر مسجده سلیمان با توجه به قرارگیری بخش عمده‌ای از بافت فرسوده در اراضی شیب‌دار محلات تنها دارای پتانسیل توسعه درون‌زا (اراضی مخروبه و اراضی بایر) بوده و از عوامل محدودکننده توسعه کالبدی-فضایی بافت این شهر میتوان از اراضی شیب‌دار، آرامستان و آثار تاریخی در پیرامون و درون برخی محلات نام برد.

پیرامی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به "بررسی آسیب‌های موجود با رویکرد بهبود روند نزولی زندگی در محلات نمونه موردی: محله پیرعبدالملک اردبیل" می‌پردازد. بافت‌های فرسوده شهری از مسائل و معضلات غیر قابل چشم‌پوشی شهرهای امروزی به شمار می‌آیند. بناهای درون این بافت‌ها به دلیل مشکلات ساختاری از حداقل کیفیت برای سکونت، برخوردار نبوده و به دلیل مسائل و مشکلات کالبدی و دسترسی، به راحتی نیز امکان اصلاح و نوسازی به شکل موردی ندارند. حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶ لذا اهمیت نوسازی بافت‌های فرسوده شهری همواره به عنوان هدفی اصلی و متعالی مدنظر صاحب‌نظران شهری بوده است. در همین راستا اندیشه‌های بسیاری توسط دانشمندان زاده گردید که گروهی آرمانی و جمعی در تحقق فرایند توسعه راهبردی و اجرایی بودند عن‌دلیب، ۱۳۸۶: ۱۲ تجربه این اندیشه‌ها در سراسر جهان نتایج متعددی را به همراه داشته است. این مقاله بر آن است، ضمن تبیین بافت‌های فرسوده در محلات به علل پیدایش آن پراخته و پیشنهاداتی در زمینه‌ی راه‌های برون رفت از وضعیت موجود و رونق بخشی به نوسازی در این بافت‌ها را ارائه نماید بدین منظور با استفاده از از نمونه موردی محله پیرعبدالملک اردبیل این راه‌کارها مورد ارزیابی قرار گرفت تا پاسخ سوال تحقیق که چه اقداماتی باعث بهبود روند نزولی زندگی در محلات می‌شود، بیان گردد.

ارزیابی پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که میزان بهره‌وری عنصر کالبدی و کاهش تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری در شهرهای ما در گروهی سه مولفه اصلی است که شامل عوامل کالبدی، طبقات اجتماعی و کیفیت فضای شهری است (تورنلی، ۲۰۱۸). در خصوص عوامل کالبدی پرداختن به مولفه‌هایی نظیر تراکم و فشرده‌گی، شبکه معابر (حمل و نقل - عابر پیاده)، فضاهای عمومی و کانون‌های عطف، اختلاط کابری‌ها و عملکردها و زیرساخت‌های شهری دارای اهمیت است (راتهور و همکاران، ۲۰۱۶) در حالیکه در خصوص طبقات اجتماعی شاخص‌هایی نظیر تعاملات اجتماعی (روابط اجتماعی و تماس بین افراد)، نوع شغل، میزان و منشا درآمد (شرایط اقتصادی خانواده)، میزان تخصص، آموزش و سطح تعلیم و تربیت، پیشینه خانوادگی و منزلت اجتماعی، هویت و حس تعلق، گوناگونی سلاقی و تضادهای فردی و میزان دستیابی به ثروت اجتماعی دارای اهمیت است (بال و همکاران، ۲۰۱۸) نهایتاً آخرین مولفه مربوط به کیفیت فضاهای شهری است که سازماندهی متناسب با عملکردها و تراکم بهینه، انسجام و همبستگی اجتماعی (زندگی اجتماعی، گروه‌های قومی و پیوندهای بومی)، مشورت و مشارکت دادن کاربران شهری، کاربری‌های مختلط، منعطف و چندگانه، تعاملات اجتماعی و ارتباط با دیگران (مراودات اجتماعی و تماس چهره به چهره)، هویت اجتماعی، حس تعلق و احساس هویت مکانی و تجمیع فعالیتها و دسترسی به فرصتها از جمله اصلی‌ترین شاخص‌های این مولفه هستند (پرا و همکاران،

۲۰۱۸). در جدول زیر اهم شاخص‌ها و مولفه‌های اثرگذار ارائه شده‌اند که ورودی پرسشنامه طراحی شده در این پژوهش می‌باشند

جدول ۱: ابعاد و مولفه‌های مربوط به میزان بهره‌وری عنصر کالبدی و کاهش تعارضات و تضادهای هویت

جمعی و فرهنگی کاربران شهری

ابعاد	مؤلفه
عوامل کالبدی	تراکم و فشردگی
	شبکه معابر (حمل و نقل - عابر پیاده)
	فضاهای عمومی و کانون‌های عطف
	اختلاط کاربری‌ها و عملکردها
عوامل طبقات اجتماعی	زیر ساخت‌های شهری
	تعاملات اجتماعی (روابط اجتماعی و تماس بین افراد)
	نوع شغل، میزان و منشا درآمد (شرایط اقتصادی خانواده)
	میزان تخصص، آموزش و سطح تعلیم و تربیت
	پیشینه خانوادگی و منزلت اجتماعی
	هویت و حس تعلق
	گوناگونی سلیق و تضادهای فردی
	میزان دستیابی به ثروت اجتماعی
	سازماندهی متناسب با عملکردها و تراکم بهینه
	انسجام و همبستگی اجتماعی (زندگی اجتماعی، گروه‌های قومی و پیوندهای بومی)
کیفیت فضای شهری	مشورت و مشارکت دادن کاربران شهری
	کاربری‌های مختلط، منعطف و چندگانه
	تعاملات اجتماعی و ارتباط با دیگران (مراودات اجتماعی و تماس چهره به چهره)
	هویت اجتماعی، حس تعلق و احساس هویت مکانی
	تجمع فعالیتها و دسترسی به فرصتها

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در این پژوهش از روش‌شناسی کمی تحقیق استفاده می‌شود. معیارهای پژوهش برآمده از ادبیات تحقیق هستند که در جدول ۱ نشان داده شده‌اند. پرسشنامه بر اساس فرمول کوکران درمیان ۳۸۴ شهروند توزیع شده است و سپس با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و همچنین Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است و نتایج تحلیل کمی در بخش بعدی به صورت کامل در قالب جداول تحلیل اشاره شده‌اند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

قبل از اینکه فرضیه‌های این پژوهش آزمون شوند باید ابتدا از نرمال بودن متغیرها اطمینان حاصل شود. برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای مورد مطالعه از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف یک نمونه‌ای استفاده شده است. در صورتیکه سطح معناداری از 0.05 درصد بیشتر باشد متغیر نرمال می‌باشد. در غیر اینصورت داده‌ها غیر نرمال‌اند. بنابراین با توجه به جدول ذیل تمامی متغیرها غیر نرمال می‌باشند.

جدول ۶. نتایج آزمون کولموگوروف اسمیرنوف برای بررسی فرض نرمال بودن یا غیرنرمال بودن

متغیرها	حجم نمونه	آماره آزمون	P-value
شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی	۳۰	۱.۳۰۰	۰.۰۰۰
میزان درآمد خانوارها	۳۰	۱.۹۰۰	۰.۰۱۱
وجود فرصت های برابر سرمایه گذاری	۳۰	۱.۱۸۹	۰.۰۰۷
تحصیل رایگان و دسترسی به آن	۳۰	۱.۰۰۹	۰.۰۰۲
برابری در مصرف فضاهای شهری	۳۰	۲.۴۴۰	۰.۰۰۰
حضور در عرصه های عمومی نظیر پارکها	۳۰	۲.۷۸۹	۰.۰۰۰۳
دسترسی به چشم اندازهای طبیعی شهری	۳۰	۱.۲۴۶	۰.۰۱۴
قدرت خرید	۳۰	۱.۲۱۶	۰.۰۰۰
مولفه های برنامه ریزی کالبدی	۳۰	۱.۱۹۸	۰.۰۰۰
ریزدانگی فضاهای شهری	۳۰	۱.۳۲۰	۰.۰۰۰
فقدان فرسودگی فضاهای شهری	۳۰	۱.۸۸۵	۰.۰۱۱
دسترسی به عرصه های شهری	۳۰	۱.۱۸۳	۰.۰۰۷
تراکم ساختمانی و نسبت آن با عرض معابر	۳۰	۱.۶۰۶	۰.۰۰۲
وجود نشانه های شهری	۳۰	۱.۱۳۶	۰.۰۰۰
تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری	۳۰	۱.۵۲۴	۰.۰۰۰
درگیری های خیابانی	۳۰	۱.۹۳۸	۰.۰۰۱
احساس حقارت و خود کم بینی	۳۰	۱.۲۱۵	۰.۰۰۵
فقدان عزت نفس	۳۰	۱.۱۱۸	۰.۰۰۲
عدم تمایل به زندگی در محله	۳۰	۲.۳۸۷	۰.۰۰۰
وجود عدم تجانس فرهنگی میان ساکنین	۳۰	۲.۲۹۵	۰.۰۰۰
بهره‌وری عناصر کالبدی	۳۰	۱.۳۱۶	۰.۰۰۳
نسبت درست میان عرصه و عیان	۳۰	۱.۲۱۰	۰.۰۰۰
دسترسی مناسب به سایت	۳۰	۱.۱۹۰	۰.۰۰۰
وجود فضاهای زنده در طول محور	۳۰	۱.۳۷۷	۰.۰۰۴
عدم فرسودگی بناها	۳۰	۱.۸۸۵	۰.۰۴۶
وجود نشانه های شناختی در سطح سایت	۳۰	۱.۵۵۴	۰.۰۲۲

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

آزمون مان - ویتنی ، جزء آزمون های غیر پارامتری است و برای سنجش تفاوت میان نمونه ها به کار می رود. میانه و دامنه تغییر توصیف گرهای مناسب تری برای آزمون های غیر پارامتری هستند چون این آزمون ها از توزیع طبیعی برخوردار نیستند و توزیع آزاد دارند. آزمون مان-ویتنی معادل غیر پارامتری آزمون تی مستقل است و برای مقایسه داده هایی که از طرح های گروه های مستقل به دست می آیند مورد استفاده قرار می گیرد. هرگاه شرایط استفاده از آزمونهای پارامتری در متغیرها موجود نباشد، یعنی متغیرها پیوسته و نرمال نباشند از این آزمون استفاده می شود. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ذیل آورده شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون مان ویتنی برای بررسی وضعیت موجود متغیرهای مطالعه

متغیرها	آزمون مان- ویتنی	آماره Z	Sig سطح معنادار
شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی	۱۴۱۲۱.۵۴۵	۱.۳۰۰	۰.۰۰۰
میزان درآمد خانوارها	۱۴۶۶۷.۷۰۳	۱.۹۰۰	۰.۰۱۱

۰.۰۰۷	۱.۱۸۹	۱۴۲۳۸.۴۹۹	وجود فرصت های برابر سرمایه گذاری
۰.۰۰۲	۱.۰۰۹	۱۱۳۹۷.۶۲۹	تحصیل رایگان و دسترسی به آن
۰.۰۰۰	۲.۴۴۰	۱۳۷۴۹.۲۰۱	برابری در مصرف فضاهای شهری
۰.۰۰۰۳	۲.۷۸۹	۱۵۰۲۵.۰۳۸	حضور در عرصه های عمومی نظیر پارکها
۰.۰۱۴	۱.۲۴۶	۱۴۹۸۱.۲۹۲	دسترسی به چشم اندازهای طبیعی شهری
۰.۰۰۰	۱.۲۱۶	۱۵۰۷۹.۵۰۴	قدرت خرید
۰.۰۰۰	۱.۱۹۸	۱۳۴۳۵.۸۷۰	مولفه های برنامه ریزی کالبدی
۰.۰۰۰	۱.۳۲۰	۱۴۶۶۷.۴۵۵	ریزدانگی فضاهای شهری
۰.۰۱۱	۱.۸۸۵	۱۴۲۳۸.۳۰۹	فقدان فرسودگی فضاهای شهری
۰.۰۰۷	۱.۱۸۳	۱۱۳۹۷.۴۱۲	دسترسی به عرصه های شهری
۰.۰۰۲	۱.۶۰۶	۱۶۷۵۹.۴۰۰	تراکم ساختمانی و نسبت آن با عرض معابر
۰.۰۰۰	۱.۱۳۶	۱۳۲۰۲۵.۰۶۶	وجود نشانه های شهری
۰.۰۰۰	۱.۵۲۴	۱۴۹۸۱.۲۹۸۰	تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری
۰.۰۰۱	۱.۹۳۸	۱۴۴۳۳.۵۶۰	درگیری های خیابانی
۰.۰۰۵	۱.۲۱۵	۱۴۲۵۵.۶۴۹	احساس حقارت و خود کم بینی
۰.۰۰۲	۱.۱۱۸	۱۳۵۷۹.۴۰۰	فقدان عزت نفس
۰.۰۰۰	۲.۳۸۷	۱۱۳۹۷.۶۲۹	عدم تمایل به زندگی در محله
۰.۰۰۰	۲.۲۹۵	۱۳۷۴۹.۲۰۱	وجودعدم تجانس فرهنگی میان ساکنین
۰.۰۰۳	۱.۳۱۶	۱۲۳۳۲.۶۰۹	بهره‌وری عناصر کالبدی
۰.۰۰۰	۱.۲۱۰	۱۳۵۷۰.۹۷۰	نسبت درست میان عرصه و عیان
۰.۰۰۰	۱.۱۹۰	۱۳۳۲۶.۷۵۹	دسترسی مناسب به سایت
۰.۰۰۴	۱.۳۷۷	۱۴۷۶۹.۳۰۰	وجود فضاهای زنده در طول محور
۰.۰۴۶	۱.۸۸۵	۱۴۵۵۸.۶۰۵	عدم فرسودگی بناها
۰.۰۲۲	۱.۵۵۴	۱۳۷۶۰.۹۵۴	وجود نشانه های شناختی در سطح سایت

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتایج آزمون مان - ویننی نشان داد که متغیر حضور در عرصه های عمومی نظیر پارکها بیشترین آماره آزمون و متغیر تحصیل رایگان و دسترسی به آن کمترین آماره آزمون در سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ درصد را دارا است. یکی از قوی ترین و مناسب ترین روش های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری، تجزیه و تحلیل چند متغیره است. زیرا ماهیت این گونه موضوعات چند متغیره بوده و نمی توان آنها را با شیوه دو متغیری (که هر بار تنها یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته در نظر گرفته می شود) حل نمود. در پژوهش حاضر با توجه به حجم اندک داده ها، برای تأیید یا رد فرضیات از روش الگویابی معادلات ساختاری (SEM)^۱ با کمک نرم افزار Smart PLS 3 استفاده شده است که از روش حداقل مربعات جزئی^۲ استفاده می کند. حداقل مربعات جزئی برای مقابله با مشکلات داده های خاص مانند حجم اندک داده ها، وجود داده های گم شده^۳، نرمال نبودن داده ها و هم خطی بین متغیر های مستقل طراحی شده است. در این بخش ما ابتدا به بحث روایی و پایایی مدل، سازه ها و معرف ها می پردازیم پایایی

¹ Structural Equation Modeling

² Partial Least Squares

³ Missing Data

در روش حداقل مربعات جزئی (PLS) باید پایایی برای سازه‌ها و معرف‌ها محاسبه شود. ضریب سنتی برای بررسی پایایی سازه‌ها، ضریب آلفای کرونباخ است که مقدار قابل قبول برای این ضریب حداقل ۰/۷ است. همان‌طور که در جدول ۴-۲۶ مشخص است مقادیر آلفای کرونباخ و شاخص CR برای تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰/۷۴۹ است که به معنی پایایی مناسب سازه‌ها است.

جدول ۸. پایایی سازه‌های تحقیق

شاخص CR	آلفای کرونباخ	سازه
۰/۸۸۵	۰/۸۸۸	شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی
۰/۹۳۲	۰/۹۳۴	میزان درآمد خانوارها
۰/۸۸۶	۰/۸۸۵	وجود فرصت های برابر سرمایه گذاری
۰/۷۸۵	۰/۷۸۷	تحصیل رایگان و دسترسی به آن
۰/۸۲۳	۰/۸۲۷	برابری در مصرف فضاهای شهری
۰/۹۸۴	۰/۹۸۸	حضور در عرصه های عمومی نظیر پارکها
۰/۸۰۰	۰/۸۱۳	دسترسی به چشم اندازهای طبیعی شهری
۰/۸۲۵	۰/۸۲۶	قدرت خرید
۰/۷۴۶	۰/۷۴۹	مولفه های برنامه ریزی کالبدی
۰/۸۸۲	۰/۸۸۴	ریزدانگی فضاهای شهری
۰/۹۵۰	۰/۹۵۱	فقدان فرسودگی فضاهای شهری
۰/۸۷۴	۰/۸۷۵	دسترسی به عرصه های شهری
۰/۷۸۲	۰/۷۸۴	تراکم ساختمانی و نسبت آن با عرض معابر
۰/۸۵۳	۰/۸۵۷	وجود نشانه های شهری
۰/۹۸۴	۰/۹۸۸	تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری
۰/۷۸۵	۰/۷۸۷	درگیری های خیابانی
۰/۸۲۳	۰/۸۲۷	احساس حقارت و خود کم بینی
۰/۹۸۴	۰/۹۸۸	فقدان عزت نفس
۰/۷۹۲	۰/۷۹۰	عدم تمایل به زندگی در محله
۰/۷۷۷	۰/۷۷۹	وجودعدم تجانس فرهنگی میان ساکنین
۰/۸۳۷	۰/۸۴۰	بهره‌وری عناصر کالبدی
۰/۸۳۲	۰/۸۳۶	نسبت درست میان عرصه و عیان
۰/۸۸۷	۰/۹۰۰	دسترسی مناسب به سایت
۰/۸۸۱	۰/۸۸۵	وجود فضاهای زنده در طول محور
۰/۷۹۲	۰/۷۹۵	عدم فرسودگی بناها
۰/۷۷۳	۰/۷۷۵	وجود نشانه های شناختی در سطح سایت
۰/۹۰۶	۰/۹۰۴	پایایی کل

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

همان طور که در جداول قابل مشاهده است، بالاتر از مقدار حداقلی ۰/۶ بیشتر هستند که بیانگر پایایی مناسب معرف‌ها است. روایی: برای ارزیابی روایی در مدل‌های حداقل مربعات جزئی باید هم روایی را مورد محاسبه قرار داد که در ذیل به تفسیر بیان شده است در روش حداقل مربعات جزئی از متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای محاسبه روایی سازه‌ها استفاده می‌شود. مقدار حداقلی برای روایی مناسب برای هر سازه ۰/۵ است نتایج بررسی این آزمون در جدول ۹. قابل مشاهده است.

جدول ۹. روایی سازه‌ها

متغیر	متوسط واریانس استخراج شده (AVE)
شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی	۰.۷۴۴۳
میزان درآمد خانوارها	۰.۶۷۱۲
وجود فرصت های برابر سرمایه گذاری	۰.۸۰۹۹
تحصیل رایگان و دسترسی به آن	۰.۶۳۳۴
برابری در مصرف فضاهای شهری	۰.۵۴۴۲
حضور در عرصه های عمومی نظیر پارکها	۰.۸۷۴۳
دسترسی به چشم اندازهای طبیعی شهری	۰.۷۸۰۹
قدرت خرید	۰.۶۳۶۹
مولفه های برنامه ریزی کالبدی	۰.۷۸۸۸
ریزدانگی فضاهای شهری	۰.۷۲۴۳
فقدان فرسودگی فضاهای شهری	۰.۶۷۱۹
دسترسی به عرصه های شهری	۰.۸۸۸۸
تراکم ساختمانی و نسبت آن با عرض معابر	۰.۵۸۱۶
وجود نشانه های شهری	۰.۷۶۳۰
تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری	۰.۵۶۱۲
درگیری های خیابانی	۰.۶۶۳۰
احساس حقارت و خود کم بینی	۰.۶۱۸۷
فقدان عزت نفس	۰.۶۰۹۹
عدم تمایل به زندگی در محله	۰.۵۸۱۳
وجود عدم تجانس فرهنگی میان ساکنین	۰.۵۴۲۰
بهره‌وری عناصر کالبدی	۰.۵۱۰۶
نسبت درست میان عرصه و عیان	۰.۶۲۴۴
دسترسی مناسب به سایت	۰.۶۹۸۸
وجود فضاهای زنده در طول محور	۰.۶۱۹۶
عدم فرسودگی بناها	۰.۵۹۹۸
وجود نشانه های شناختی در سطح سایت	۰.۵۳۳۵
شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی	۰.۵۱۲۲
میزان درآمد خانوارها	۰.۵۸۴۰
وجود فرصت های برابر سرمایه گذاری	۰.۵۶۷۷
تحصیل رایگان و دسترسی به آن	۰.۵۴۳۴

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می کنید مقدار متوسط واریانس استخراج شده برای متغیرهای این تحقیق بین ۰.۵۱۰۶ و ۰.۸۸۸۸ است که از مقدار حداقلی ۰.۵ بیشتر است که نشان دهنده روایی همگرایی مناسب سازه‌ها است.

قبل از ورود به مرحله آزمون فرضیه های تحقیق، می بایست از صحت سوالات مربوط به متغیرهای تحقیق اطمینان حاصل کرد به همین جهت در این مرحله از تحلیل عاملی تأییدی استفاده می شود. تحلیل عاملی نشانگرهایی که برای متغیر مکنون برگزیده شده را سنجیده و گزارش می دهد، که نشانگرهای انتخابی با چه دقتی معرف یا برازنده متغیر مکنون است. در نرم افزار PLS برای تحلیل عاملی لازم است که تمامی متغیرهای مکنون به یکدیگر متصل شوند.

بارهای عاملی از اهمیت زیادی در تفسیر نتایج تحلیل عاملی برخوردارند. این بارها نشاندهنده همبستگی بین هر متغیر آشکار (سوالات) و عامل های مربوط به آن است. بسته به اینکه محقق چه میزان دقت را برای حذف سوالات در نظر بگیرد، مقادیر ملاک از ۰/۵ تا ۰/۷ برای بارهای عاملی معرفی شده است اما کمترین سرحد اعلام شده مقدار ۰/۴ است (هالند^۱، ۱۹۹۹). بدین معنی که سوالات با بارهای عاملی کمتر از ۰/۴ کفایت لازم برای باقی ماندن در مدل را نداشته و باید حذف شوند. همانطور که در مدل ملاحظه می کنید تمام اعداد بالای ۰.۴ هستند پس هیچ سوالی حذف نمی شود.

جدول ۱۰. بارهای عاملی برای متغیر شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی کاربران

سوالات	بارهای عاملی
میزان درآمد خانوارها	۰.۴۸۳
وجود فرصت های برابر سرمایه گذاری	۰.۶۰۸
تحصیل رایگان و دسترسی به آن	۰.۸۵۳
برابری در مصرف فضاهای شهری	۰.۷۸۲
حضور در عرصه های عمومی نظیر پارکها	۰.۷۳۹
دسترسی به چشم اندازهای طبیعی شهری	۰.۸۹۵
قدرت خرید	۰.۹۱۷

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۱۱. بارهای عاملی برای متغیر برنامه ریزی کالبدی

سوالات	بارهای عاملی
ریزدانگی فضاهای شهری	۰.۷۹۴
فقدان فرسودگی فضاهای شهری	۰.۷۱۶
دسترسی به عرصه های شهری	۰.۴۶۸
تراکم ساختمانی و نسبت آن با عرض معابر	۰.۴۴۲
وجود نشانه های شهری	۰.۵۴۳

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۱۲. بارهای عاملی برای متغیر فیلترینگ کالبدی

سوالات	بارهای عاملی
A	۰.۹۸۳
B	۰.۷۲۵
C	۰.۹۰۴

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

¹ Hulland

جدول ۱۳. بارهای عاملی برای متغیر تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری

سوال	بارهای عاملی
درگیری های خیابانی	۰.۷۹۴
احساس حقارت و خود کم بینی	۰.۶۸۵
فقدان عزت نفس	۰.۵۸۲
عدم تمایل به زندگی در محله	۰.۷۰۷
وجود عدم تجانس فرهنگی میان ساکنین	۰.۴۵۳

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۱۴. بارهای عاملی برای متغیر عوامل طبقات اجتماعی

سوال	بارهای عاملی
B1	۰.۴۹۲
B2	۰.۸۶۱
B3	۰.۵۳۳
B4	۰.۷۹۱
B5	۰.۴۹۷
B6	۰.۶۵۲
B7	۰.۸۲۶

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۱۵. بارهای عاملی برای متغیر بهره وری عناصر کالبدی

سوال	بارهای عاملی
نسبت درست میان عرصه و عیان	۰.۴۴۵
دسترسی مناسب به سایت	۰.۴۹۲
وجود فضاهای زنده در طول محور	۰.۵۷۵
عدم فرسودگی بناها	۰.۷۸۳
وجود نشانه های شناختی در سطح سایت	۰.۶۰۹

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

مقادیر داخل این نمودار روابط بین متغیرهای مکنون را به جهت معنی داری می سنجد. چنانچه در رابطه ای مقدار آماره t آن بیش از $1/96$ باشد در سطح 0.05 درصد و چنانچه مقادیر از $2/58$ بزرگتر باشند در سطح 0.01 معنادار می باشند. معیار GOF^1 مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنا که توسط این معیار محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. این معیار توسط تنهاوس و همکاران (۲۰۰۴) ابداع گردیده و طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$Gof = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

در فرمول فوق Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه و R^2 نیز مقدار میانگین واریانس تبیین شده سازه‌های درون‌زای مدل است. در جداول 16 مقدار GOF مربوط به مدل ساختاری تحقیق محاسبه شده است:

جدول ۱۶. بررسی معیار GOF

متغیر	واریانس تبیین شده	مقادیر اشتراکی	GOF
			Communality

۰/۶۷	۰/۷۴۴۳	-	شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی
	۰/۶۷۱۲	-	میزان درآمد خانوارها
	۰/۸۰۹۹	-	وجود فرصت های برابر سرمایه گذاری
	۰/۶۳۳۴	-	تحصیل رایگان و دسترسی به آن
	۰/۵۴۴۲	-	برابری در مصرف فضاهای شهری
	۰/۸۷۴۳	-	حضور در عرصه های عمومی نظیر پارکها
	۰/۷۸۰۹	-	دسترسی به چشم اندازهای طبیعی شهری
	۰/۶۳۶۹	-	قدرت خرید
	۰/۷۸۸۸	۰/۷۳۵	مولفه های برنامه ریزی کالبدی
	۰/۷۲۴۳	-	ریزدانگی فضاهای شهری
	۰/۶۷۱۹	-	فقدان فرسودگی فضاهای شهری
	۰/۸۸۸۸	-	دسترسی به عرصه های شهری
	۰/۵۸۱۶	-	تراکم ساختمانی و نسبت آن با عرض معابر
	۰/۷۶۳۰	-	وجود نشانه های شهری
	۰/۵۶۱۲	۰/۵۳۰	تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری
	۰/۶۶۳۰	-	درگیری های خیابانی
	۰/۶۱۸۷	-	احساس حقارت و خود کم بینی
	۰/۶۰۹۹	-	فقدان عزت نفس
	۰/۵۸۱۳	-	عدم تمایل به زندگی در محله
	۰/۵۴۲۰	-	وجود عدم تجانس فرهنگی میان ساکنین
	۰/۵۱۰۶	۰/۴۵۶	بهره‌وری عناصر کالبدی
	۰/۶۲۴۴	-	نسبت درست میان عرصه و عیان
	۰/۶۹۸۸	-	دسترسی مناسب به سایت
	۰/۶۱۹۶	-	وجود فضاهای زنده در طول محور
	۰/۵۹۹۸	-	عدم فرسودگی بناها
	۰/۵۳۳۵	-	وجود نشانه های شناختی در سطح سایت
	۰/۷۹۶	۰/۵۷۳	میانگین

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

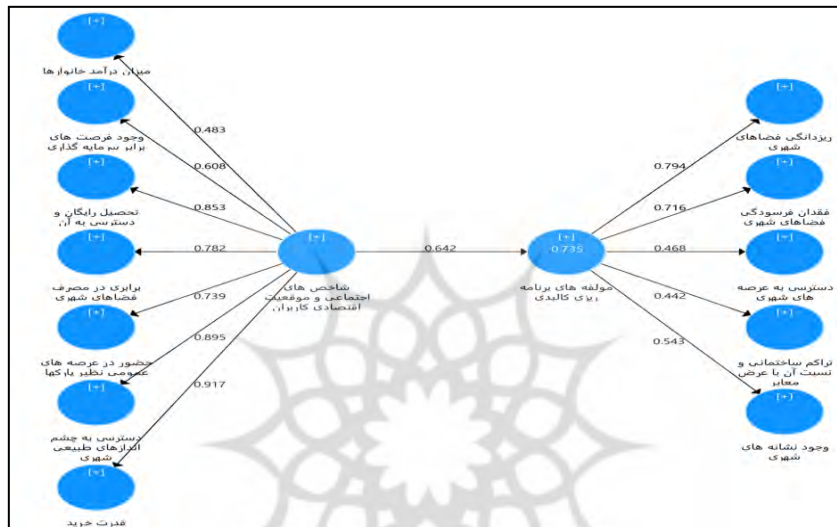
$$GOF = \sqrt{0/796 \times 0/573} = 0/67$$

وتزلس و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند. از آنجایی که مقدار GOF برای مدل حاضر برابر ۰/۶۷ محاسبه گردید، نشان از برازش کلی بسیار قوی مدل دارد. در این بخش فرضیه‌های اول، دوم و سوم تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد شاخص‌های اجتماعی و موقعیت اقتصادی کاربران شهری تأثیر بسزایی در روند برنامه‌ریزی کالبدی شهر دارند.

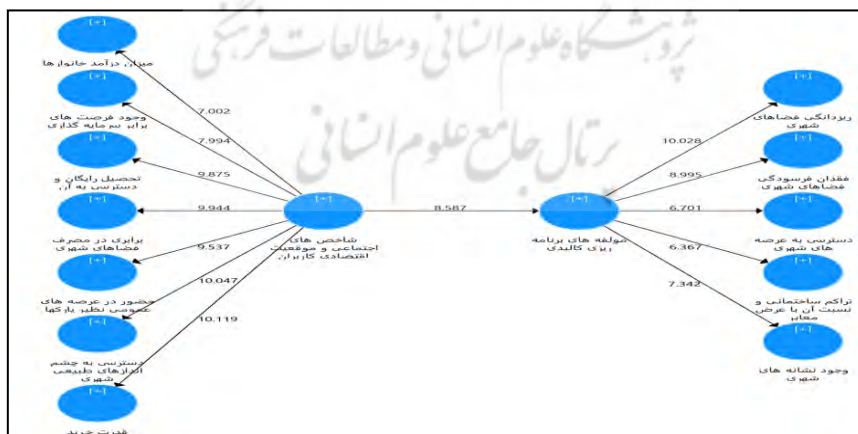
H0 : به نظر می‌رسد شاخص‌های اجتماعی و موقعیت اقتصادی کاربران شهری تأثیر بسزایی در روند برنامه‌ریزی کالبدی شهر ندارند.

H1 : به نظر می‌رسد شاخص‌های اجتماعی و موقعیت اقتصادی کاربران شهری تأثیر بسزایی در روند برنامه‌ریزی کالبدی شهر دارند.



نگاره ۱. حالت اعداد استاندارد برای فرضیه اول

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



نگاره ۲. حالت اعداد معناداری برای فرضیه اول

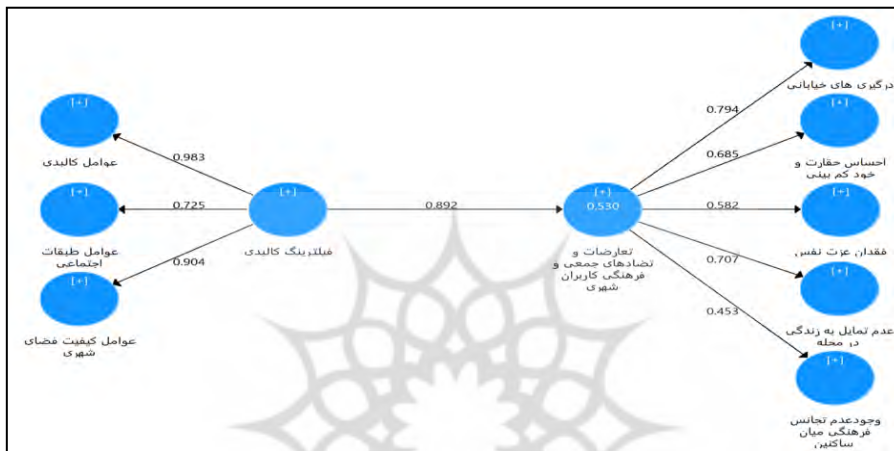
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

با توجه به ضریب مسیر متغیر شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی کاربران شهری و برنامه ریزی کالبدی شهر که به مقدار ۰.۶۴۲ و همچنین آماره t به مقدار ۸.۵۸۷ شده است می توان گفت: شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی کاربران شهری تأثیر بسزایی در روند برنامه ریزی کالبدی شهر دارند.

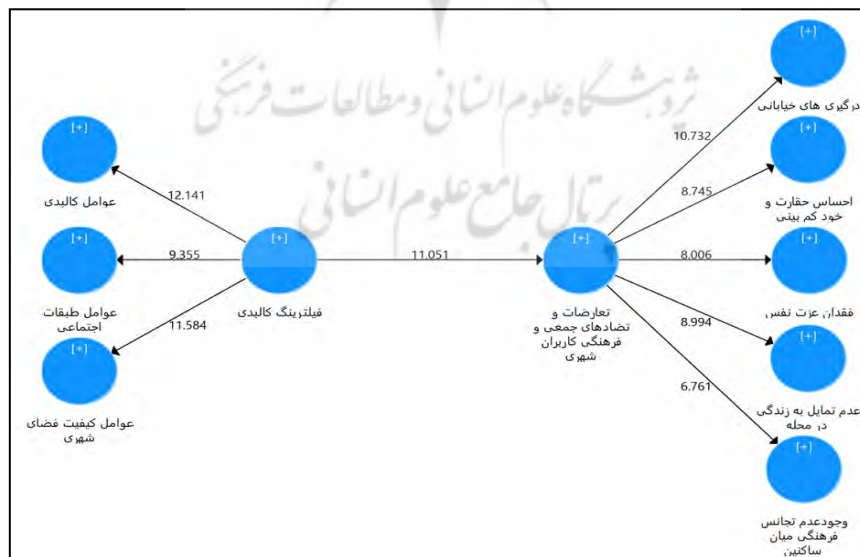
فرضیه دوم: به نظر می رسد استفاده از مدل فیلترینگ کالبدی شهر می تواند در کاهش تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری تأثیر زیادی داشته باشد

H0: به نظر می رسد استفاده از مدل فیلترینگ کالبدی شهر می تواند در کاهش تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری تأثیر زیادی نداشته باشد

H1: به نظر می رسد استفاده از مدل فیلترینگ کالبدی شهر می تواند در کاهش تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری تأثیر زیادی داشته باشد



نگاره ۳. حالت اعداد استاندارد برای فرضیه دوم
منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹



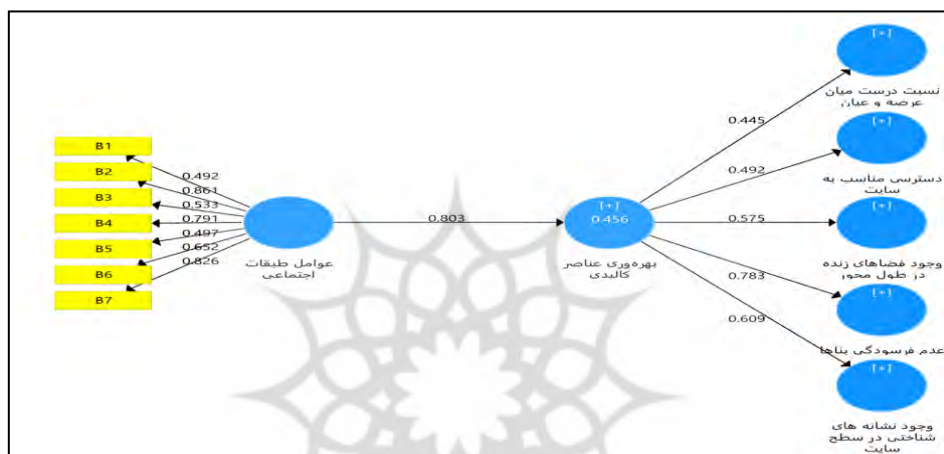
نگاره ۴. حالت اعداد معناداری برای فرضیه دوم
منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

با توجه به ضریب مسیر متغیر استفاده از مدل فیلترینگ کالبدی شهر و کاهش تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری که به مقدار ۰.۸۹۲ و همچنین آماره t به مقدار ۱۱.۰۵۲ شده است می‌توان گفت: استفاده از مدل فیلترینگ کالبدی شهر می‌تواند در کاهش تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری تاثیر زیادی داشته باشد و این فرضیه تایید می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد مدل کنترلی طبقه بندی کالبدی شهر نقش پر رنگی در میزان بهره‌وری عنصر کالبدی در محدوده شهری دارد.

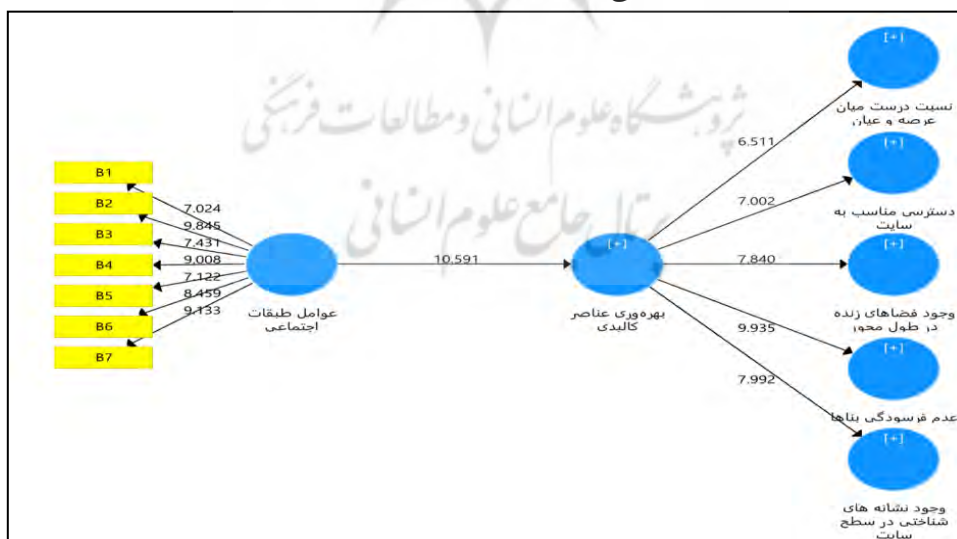
H0: به نظر می‌رسد مدل کنترلی طبقه بندی کالبدی شهر نقش پر رنگی در میزان بهره‌وری عنصر کالبدی در محدوده شهری ندارد.

H1: به نظر می‌رسد مدل کنترلی طبقه بندی کالبدی شهر نقش پر رنگی در میزان بهره‌وری عنصر کالبدی در محدوده شهری دارد.



نگاره ۵. حالت اعداد استاندارد برای فرضیه سوم

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



نگاره ۶. حالت اعداد معناداری برای فرضیه سوم

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

با توجه به ضریب مسیر متغیر مدل کنترلی طبقه بندی کالبدی شهر و میزان بهره‌وری عنصر کالبدی که به مقدار ۰.۸۰۳ و همچنین آماره t به مقدار ۱۰.۵۹۱ شده است می‌توان گفت: مدل کنترلی طبقه بندی کالبدی شهر نقش پر رنگی در میزان بهره‌وری

وری عنصر کالبدی در محدوده شهری دارد و این فرضیه تایید می‌شود. خلاصه نتایج الگویابی معادلات ساختاری در جدول شماره ۱۷. ارائه شده است:

جدول ۱۷. نتایج اجرای الگویابی معادلات ساختاری متغیرهای تحقیق

روابط متغیرهای تحقیق	اعداد (معناداری) (ارزش t)	اثر مستقیم (R)	اثر غیر مستقیم	اثر کل	نتیجه
استفاده از مدل فیلترینگ کالبدی شهر و کاهش تعارضات و	۱۱.۰۵۲	۰.۸۹۲	-	۰.۸۹۲	مثبت و
مدل کنترلی طبقه بندی کالبدی شهر و میزان بهره وری عنصر	۱۰.۵۹۱	۰.۸۰۳	-	۰.۸۰۳	مثبت و

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

همان‌طور که از جدول ۱۷ مشخص می‌شود، تمامی ضرایب بارهای عاملی از ۰/۴ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این مدل دارد. در جدول ۱۸ شاخص های کیفیت مدل در روش حداقل مربعات جزئی ارائه شده است.

جدول ۱۸. شاخص های کیفیت مدل و سطح پذیرش آن ها در روش حداقل مربعات جزئی

متغیر	ساخت روابی مشترک متقاطع	پایایی مرکب	میانگین واریانسهای استخراج شده
	سطح پذیرش ≥ 0	$> 0/7$	$> 0/5$
شاخص های اجتماعی و موقعیت اقتصادی	۰/۱۱۳	۰/۷۳۵	۰/۵۴۷
میزان درآمد خانوارها	۰/۱۵۲	۰/۷۷۴	۰/۵۶۰
وجود فرصت های برابر سرمایه گذاری	۰/۱۸۳	۰/۷۶۰	۰/۵۹۱
تحصیل رایگان و دسترسی به آن	۰/۱۰۵	۰/۷۱۱	۰/۵۹۴
برابری در مصرف فضاهای شهری	۰/۰۰۰	۰/۷۷۴	۰/۵۱۸
حضور در عرصه های عمومی نظیر پارکها	۰/۲۹۸	۰/۷۲۱	۰/۵۷۳
دسترسی به چشم اندازهای طبیعی شهری	۰/۲۱۰	۰/۸۳۲	۰/۷۴۲
قدرت خرید	۰/۱۶۰	۰/۷۰۴	۰/۶۲۶
مولفه های برنامه ریزی کالبدی	۰/۱۷۶	۰/۷۴۳	۰/۶۷۳
ریزدانگی فضاهای شهری	۰/۱۹۴	۰/۷۴۹	۰/۵۴۲
فقدان فرسودگی فضاهای شهری	۰/۱۳۳	۰/۷۶۲	۰/۶۲۶
دسترسی به عرصه های شهری	۰/۲۳۷	۰/۷۲۹	۰/۶۷۳
تراکم ساختمانی و نسبت آن با عرض معابر	۰/۲۲۵	۰/۸۷۴	۰/۵۴۷
وجود نشانه های شهری	۰/۲۸۰	۰/۷۸۴	۰/۵۶۶
تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری	۰/۱۸۷	۰/۷۰۹	۰/۸۷۳
درگیری های خیابانی	۰/۱۱۳	۰/۷۴۴	۰/۵۵۳
احساس حقارت و خود کم بینی	۰/۱۷۶	۰/۷۰۰	۰/۵۳۹
فقدان عزت نفس	۰/۱۱۹	۰/۷۵۳	۰/۶۲۱
عدم تمایل به زندگی در محله	۰/۱۲۴	۰/۸۵۰	۰/۵۵۶
وجود عدم تجانس فرهنگی میان ساکنین	۰/۰۹۹	۰/۷۹۸	۰/۵۳۹
بهره‌وری عناصر کالبدی	۰/۱۸۷	۰/۷۷۳	۰/۵۲۶
نسبت درست میان عرصه و عیان	۰/۲۲۱	۰/۷۲۹	۰/۵۱۸
دسترسی مناسب به سایت	۰/۲۷۶	۰/۷۰۴	۰/۵۴۶

۰/۵۲۰	۰/۷۴۳	۰/۲۳۸	وجود فضاهای زنده در طول محور
۰/۵۱۵	۰/۸۶۶	۰/۲۰۹	عدم فرسودگی بناها
۰/۵۸۴	۰/۷۷۲	۰/۱۷۵	وجود نشانه‌های شناختی در سطح سایت

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

از برآیندهای اطلاعات جداول بالا چنین استنباط می‌شود که متغیر استفاده از مدل فیلترینگ کالبدی شهر می‌تواند در کاهش تعارضات و تضادهای جمعی و فرهنگی کاربران شهری بیشترین تاثیر را داشته و متغیر شاخص‌های اجتماعی و موقعیت اقتصادی کاربران شهری در روند برنامه‌ریزی کالبدی کمترین تاثیر را دارد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در این پژوهش دیدیم که برنامه‌ریزی و طراحی شهری نقش بسزایی در کاهش چالش‌ها و تعارضات اجتماعی در شهرهای امروزی دارد. یکی از اصلی‌ترین تاثیرات برنامه‌ریزی و طراحی شهری را باید حوزه کاهش تعارضات از طریق ارتقای سرمایه‌های اجتماعی دید. کالبد و جان دو مولفه اساسی زندگی می‌باشند. در برخی تعاریف که شهر را همچون موجود زنده دارای دو مولفه ذکر شده می‌دانند، می‌توان این دسته بندی را به این صورت بیان کرد که شهر دارای کالبدی است که جان آن را روابط اجتماعی و فعالیت‌های منتج از آن شامل می‌شود. مدیریت چگونگی کنترل و یا استفاده از روابط اجتماعی به ویژه طبقه بندی اجتماعی می‌تواند کیفیت فضای شهری و در واقع کالبد شهر را ارتقا داده و آن را به یک فضای ایده آل تبدیل کند و بی‌توجهی به این عوامل می‌تواند کیفیت فضا را به حداقل ممکن رسانده و میزان استفاده از آنها را به فعالیت‌های ضروری محدود کند. همچنین می‌تواند باعث عدم بهره‌گیری از حداکثر توان ظرفیت‌های شهر گردد. برنامه‌ریزی فضاهای کالبدی و سکونت‌گاه‌های شهری راهی برای رسیدن به سطح بالایی از توسعه می‌باشد که این برنامه‌ریزی امروزه با شناسایی وضع موجود، توانمندی‌های بالقوه و بالفعل با شناخت محیط در بخش‌های طبیعی، انسانی، اقتصادی و کالبدی صورت می‌پذیرد. نکته‌ای که در این میان مغفول مانده است در نظر نگرفتن موقعیت اجتماعی و موقعیت‌های اقتصادی کاربران زمین و یا به عبارتی ساکنان سکونت‌گاه‌ها به طور همزمان در طراحی کالبدی شهر می‌باشد. آشفته‌گی و عدم انسجام ساختار شهر، به دلیل بی‌توجهی به ساختار اجتماعی شهرها به حدی افزایش یافته که زندگی اجتماعی و آئین شهروندی بیش از گذشته در معرض خطر قرار گرفته و انسان مداری و مقیاس انسانی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. نیازهای جدید باعث تغییر ساختار شهرها می‌شود و فرصت انطباق ساختار قدیم با عملکرد جاری توسط فیلتری که بتواند تفکیک علمی و عملی دقیقی در طبقات اجتماعی انجام دهد، از شهرها گرفته شده است. این مسئله به تدریج باعث تضعیف ساختار و استخوان بندی شهر شده و در نهایت انتظار جدایی و تکه تکه شدن آن می‌رود. با در نظر گرفتن مسائل ذکر شده و همچنین توجه به بحران‌های گوناگونی که به عنوان تهدیدهایی بالقوه انسجام شهری را در معرض اغتشاش و بی‌سامانی قرار می‌دهد، توجه به سنخیت، وحدت و هویت جامعه مدنی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. نابرابری‌های موقعیت اجتماعی افراد که ریشه در نابرابری‌های موقعیت اقتصادی آنها دارد پدیده‌ای است که بر تمام مناسبات اجتماعی انسان‌ها تاثیر می‌گذارد. امروزه به دلیل در نظر نگرفتن موقعیت اقتصادی ساکنان و موقعیت اجتماعی شان و در واقع به دلیل نبود ساز و کاری جهت فیلتر کردن عوامل فوق در تهیه طرح‌های کالبدی، مشکلات بسیاری به وجود آمده است. در نگاه اول ممکن است این سؤال مطرح شود که با فیلتر شدن ساکنان با مولفه‌های موقعیت اجتماعی و موقعیت اقتصادی، اصل عدالت اجتماعی و اصل وحدت جامعه به مخاطره بیافتد؛ ولی در تبیین آن لازم به ذکر این نکته است که در واقع با عدم انجام فیلتری مناسب و درخور است که بحث عدالت محوری به سرانجام نمی‌رسد و مضاف بر آن سبب ایجاد تعارضات و تضادهای بیشماری خواهد شد. به عنوان نمونه ساخت مجموعه‌ای با کاربری خاص مثل بیمارستانی که با پیشرفته‌ترین امکانات تجهیز شده است، در منطقه‌ای از شهر که اکثر ساکنان آن از موقعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند و تقریباً از لحاظ اجتماعی با مراجعین

آن بیمارستان دچار تعارضات فرهنگی هستند، آن هم به دلیل اینکه قیمت زمین عاملی برای انتخاب و مکان یابی آن می باشد، عاملی در بر هم زدن نظم و تعادل اجتماعی و نمودار شدن هر چه بیشتر فاصله طبقاتی اقشار جامعه و بی عدالتی خواهد شد. چرا که هزینه هایی که این مجموعه بر این بخش از شهر می گذارد را ساکنان همان بخش متحمل می شوند. در صورتیکه خدمات آن مجموعه به بخشی از جامعه تعلق می گیرد که در آن منطقه سکونت ندارند و فقط به دلیل اینکه از لحاظ موقعیت اقتصادی در شرایط مطلوبی قرار دارند جزء کاربران آن مجموعه خواهند بود. پیشنهاد می شود بر روی موضوعات زیر پژوهش های آتی متمرکز شوند:

۱. ارزیابی چالش های توسعه عدالت محور در شهر تهران
۲. ارزیابی نقش فقدان مدیریت یکپارچه شهری در توسعه ناموزون شهر تهران
۳. ارزیابی علل و پیامدهای اجرایی نشدن الزامات طرح جامع تهران بر پیکره کالبدی شهر
۴. ارزیابی نقش شورای شهر در ارتقای عدالت توسعه کالبدی شهر تهران

منابع -

- بیرامی، سعید، ۱۳۹۹، بررسی آسیب های موجود با رویکرد بهبود روند نزولی زندگی در محلات نمونه موردی: محله پیرعبدالملک اردبیل، هفتمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، شیروان، موسسه پژوهشی رهجویان پایا شهر اترک و مجله علمی تخصصی پایاشهر، https://www.civilica.com/Paper-EBUCONF07-EBUCONF07_008.html
- حجازی، سید جعفر، ۱۳۹۹، بررسی و تحلیل محدودیت ها و پتانسیل های توسعه کالبدی- فضایی بافت های فرسوده در شهرهای نفت خیز (نمونه موردی: شهرهای آبادان، اهواز و مسجدسلیمان)، سومین کنفرانس بین المللی مهندسی عمران، سازه و زلزله، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس، https://www.civilica.com/Paper-CAUCINF03-CAUCINF03_025.html
- آزادخانی، پاکزاد؛ جعفر حسین زاده و روح الله صیدی، ۱۳۹۹، شناسایی و تعیین پهنه های مناسب مخاطرات محیطی موثر در توسعه کالبدی شهر ایلام، فصلنامه مخاطرات محیط طبیعی ۹ (۲۳)، https://www.civilica.com/Paper-JR_JNEH-JR_JNEH-9-23_002.html
- آزگان، مجتبی و شقایق شیرازی ایرانی، ۱۳۹۹، اولویت بندی محلات شهری از لحاظ ساختار فضایی بر مبنای توسعه پایدار با تاکید بر سواحل دریایی خزر با استفاده از تکنیک waspas (مطالعه موردی: محلات شهری شهر بابلسر)، ششمین همایش ملی جغرافیا و محیط زیست، شیروان، موسسه پژوهشی رهجویان پایا شهر اترک و مجله علمی تخصصی پایاشهر، https://www.civilica.com/Paper-HAMYARCONF06-HAMYARCONF06_004.html
- همتی، مرتضی؛ آذرنوش امیری؛ غزال نفیسی و سارا شکوه، ۱۳۹۹، بازشناسی و ارزیابی عناصر منظر محلات شهر گرگان در دوران تحول، فصلنامه هنر و تمدن شرق ۸ (۲۷)، https://www.civilica.com/Paper-JR_ACO-JR_ACO-8-27_003.html
- رنگزن، کاظم؛ مصطفی کابلی زاده و سمیره حردانی، ۱۳۹۹، ارزیابی کاربری اراضی شهری با استفاده از تحلیل آمار فضایی در GIS، ششمین همایش ملی جغرافیا و محیط زیست، شیروان، موسسه پژوهشی رهجویان پایا شهر اترک و مجله علمی تخصصی پایاشهر، https://www.civilica.com/Paper-HAMYARCONF06-HAMYARCONF06_001.html
- معافی، حمید؛ آناهیتا اسفندیاری و نسا خزاعی، ۱۳۹۹، ارزیابی تاثیرگذاری رویکرد نوسازسازی بر باززنده سازی بافت محله آب انبار نو ساری، چهارمین مجمع توسعه فناوری و کنفرانس بین المللی یافته های نوین عمران معماری و صنعت ساختمان ایران (Ircivil2019)، تهران - دانشکده فنی سالن شهید چمران، دبیرخانه دائمی کنفرانس، https://www.civilica.com/Paper-IRCIVIL04-IRCIVIL04_109.html
- محمد پور چاری، مصطفی و امین ابراهیمی دهکردی، ۱۳۹۹، برنامه ریزی ساختار فضایی محله بر اساس مدل مطلوب واحد همسایگی (محله مورد بررسی: مدرس فریدونکنار)، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم جغرافیا، معماری و شهرسازی ایران، تهران-خیابان خاقانی - سالن همایش ستاد توان افزایی سازمان های مردم نهاد شهر تهران، مرکز مطالعات

- و تحقیقات علوم و فنون بنیادین در جامعه - موسسه آموزش عالی آل طه، https://www.civilica.com/Paper-NICONF07-NICONF07_049.html
- سلیمانی، مینا و امین ابراهیمی دهکردی، ۱۳۹۹، تحلیل فضایی فقر شهری با تاکید بر انگاشت عدالت فضایی (مجله مورد بررسی: گلشن گرگان)، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم جغرافیا، معماری و شهرسازی ایران، تهران-خیابان خاقانی -سالن همایش ستاد توان افزایی سازمان های مردم نهاد شهر تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات علوم و فنون بنیادین در جامعه - موسسه آموزش عالی آل طه، https://www.civilica.com/Paper-NICONF07-NICONF07_006.html
- Levy, J. M. (2016). *Contemporary urban planning*. Taylor & Francis.
- Thornley, A. (2018). *Urban planning under Thatcherism: the challenge of the market* (Vol. 21). Routledge.
- Dear, M., & Scott, A. J. (Eds.). (2018). *Urbanization and urban planning in capitalist society* (Vol. 7). Routledge.
- Kirk, G. (2018). *Urban planning in a capitalist society* (Vol. 15). Routledge.
- Black, J. (2018). *Urban transport planning: Theory and practice* (Vol. 4). Routledge.
- Rathore, M. M., Ahmad, A., Paul, A., & Rho, S. (2016). Urban planning and building smart cities based on the internet of things using big data analytics. *Computer Networks*, 101, 63-80.
- Couch, C. (2017). *City of change and challenge: urban planning and regeneration in Liverpool*. Routledge.
- Thakuriah, P. V., Tilahun, N. Y., & Zellner, M. (2017). Big data and urban informatics: innovations and challenges to urban planning and knowledge discovery. In *Seeing cities through big data* (pp. 11-45). Springer, Cham.
- Ball, M., Edwards, M., Bentivegna, V., & Folin, M. (Eds.). (2018). *Land rent, housing and urban planning: a European perspective* (Vol. 3). Routledge.
- Anguluri, R., & Narayanan, P. (2017). Role of green space in urban planning: Outlook towards smart cities. *Urban Forestry & Urban Greening*, 25, 58-65.
- La Rosa, D., Spyra, M., & Inostroza, L. (2016). Indicators of cultural ecosystem services for urban planning: a review. *Ecological Indicators*, 61, 74-89.
- Williams, K. (Ed.). (2017). *Spatial planning, urban form and sustainable transport*. Routledge.
- Perera, N. G. R., & Emmanuel, R. (2018). A "Local Climate Zone" based approach to urban planning in Colombo, Sri Lanka. *Urban climate*, 23, 188-203.